یادداشت

موازنه مثبت برای صید خرگوش‌های پیش‌رو

احمد وخشیته
دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه ملی اوراسیا

● روس‌ها ضرب‌المثل معروفی دارند که می‌گوید وقتی دو خرگوش را دنبال می‌کنی، هیچ‌کدام را نمی‌توانی بگیری. به نظر می‌رسد این نکته در روابط بین‌الملل نیز صدق می‌کند؛ ازاین‌رو بعید است که دولتی سودای کسب منافع حداکثری در سر داشته باشد؛ اما ستاره راهبردی ما همان سند یا بهتر بگویم یک دکترین سیاست خارجی مشخص براساس منافع ملی و مبتنی بر دیگاه واقع‌گرایی نداشته باشد؛ موضوعی که برایند آن می‌شود یک روز نگاه به غرب و فرار روزی راه‌های برای چرخش به شرق. تا حد چشمگیری می‌توان گفت این موضوع در دستگاه دیپلماسی محدجسوداز ظریف در سال‌های اخیر نیز به‌خوبی ظهور و بروز کرده است؛ چراکه تمام سیاست خارجی یک کشور خلاصه شد در یک کلمه و سه پیشوند: تلاش برای امضای برجام، برجام و تلاش برای حفظ برجام. به موجب این رویکرد کام اول خلاصه شد در نگاه به آمریکا کام دوم در سپهری آرمان‌گرایانه. تمام موضوعات روابط بین‌الملل و عرصه دیپلماسی در نگاه به غرب خلاصه شد؛ اما کام سوم کمتر بسیار پرهیجان بود؛ تاآنجاکه یکباره کدخدا شد آمریکای خیث و از غرب. اوراسیای مانند. راهبردی که در زمان اندکی غروب کرد تا دستگاه دیپلماسی در چرخشی، طلوع خویش را از شرق جست‌وجو کند.

البته در میان فضای جامعه سایسته‌زده این روزگار، هر کسی از ظن خویش به تمفیر رویکرد سیاست خارجی دولت می‌برداز: برخی نگاه به غرب آن را در راستای تامین منافع ملی خداکثری می‌دانند و دلواپسانی چرخش به شرق را قهرمانانه می‌خوانند؛ اما دراین‌میان این پرسش وجود دارد که کدام بازیگران موفق خواهند بود بیشترین منافع را برای تامین امنیت ملی خود کسب کنند: آمریکا، اروپا، روسیه، چین یا ایران؟

اگرچه کارهای مشهور در عرصه روابط بین‌الملل کمخوامست که هیچ دوست یا دشمن همیشگی‌ای وجود ندارد؛ اما این موضوع سبب نمی‌شود که کشورها در تعریف روابط خود مبتنی بر اسناد بالادستی راهبردی خویش سطوح و نوع نگاه خود به دیگر بازیگران بین‌المللی را تعریف و برای آن سیاست‌گذاری کنند. به طور مشخص اگر در این محال بر روابط تهران – مسکو در سال‌های اخیر بپردازیم، به نظر می‌رسد دولت سوگیه‌های در روابط خویش با کرملین دارد.

با ویکرآفامدر دولت روحانی؛ او در جست‌وجوی روابط با یار و به طور ویژه مذاکره با آمریکا بود تا موازنه قدرت در سیاست خارجی ایران با دیگر بازیگران بین‌المللی تحقق یابد؛ اما به نظر می‌رسد این کنش در روندی هیجانی قرار گرفت و برایند آن در کانال چشمگیر تراز تجاری ایران و فدراسیون روسیه در سه سال نخست دولت به‌خوبی مشخص شد: موضوعی که نشان می‌دهد تهران در تحقق موازنه مثبت میان بازیگران شرق و غرب ناکام ماند. این روند همچنان نیز وجود دارد. با خروج آمریکا و عملیاتی‌شدن اینستکس، محمدجواد ظریف به سوگ مرغ می‌کند و روسیه و چین را دوستان روزهای سخت خود می‌داند و از دوستان و شرکای پیشین خود شکایت می‌کند؛ اگرچه کرملین تاکید دارد که روسیه آتش‌بس نیست؛ اما تلاش خود را برای حفظ برجام ادامه می‌دهد. ملاحظه‌ای که در آخرین دکترین سیاست خارجی روسیه نیز بر بند مربوط به ایران تاکید شده است که مسکو بر احیای توافق جامع هسته‌ای (برجام) و ۵+۱ تاکید دارد؛ چراکه به نظر می‌رسد مسکو خروج ایران از این توافق‌نامه را مساوی با برهم‌خوردن نظم منطقه می‌داند و در مسیر موازنه تهدید، همه تلاش خود را برای حفظ آن انجام می‌دهد و همواره مقامات ارشد این کشور نظم پوتین و لاوروف با همتایان آمریکایی، اروپایی و چینی خود برای جلوگیری از برهم‌خوردن آن، مذاکره و گفت‌وگو می‌کنند.

اما دراین‌میان گویا خیلی همچنان نگاه به غرب دارد و امیدش به انتخابات آمریکاست تا جو باید سکان قدرت را در دست بگیرد؛ بنابراز همین منظر باشد که اریک مدافرانی از جیب ورویسه خارج نمی‌شود و اریک دیگر به غرب این پیسام را بدهد که اگر با شیطان مدنظر باشد و وارد مذاکره نشود، گزینه‌های دیگری نیز روی میز دارد؛ به ماحصل آن می‌تواند قراردادهای بیست‌وچندساله با روسیه باشد. البته دراین‌میان نیز باید بر این موضوع توجه داشت که کدام بازیگران در نهایت از این تاکتیک موازنه مثبت ایران بیشتر منتفع خواهند شد؟

از سوی دیگر برایند این شرایط می‌تواند نوعی بی‌اعتمادی از سوی هریک از طرفین ایجاد کند. به‌عنوان مثال پس از آنکه در ماه گذشته افکار عمومی در تقابل با قرارداد ۲۵ساله با چین قرار گرفت و اظهارات دصدقیقتی درباره آن منتشر شد، ظریف مقدمه گذشته در سفر خود به مسکو در پاسخ به خبرنگار ایرنا درباره تمدید قرارداد ۲۰ساله با روسیه تاکید می‌کند که این موضوع در دستور کار است و اگر دوستان روس موافقت داشته باشند، ما آمادگی قرارداد بلندمدت دیگری را نیز داریم. او در گفت‌وگوی دیگر معتقد است تمدید اتوماتیک قرارداد با نوع روابط کنونی ایران و روسیه سازگار نیست و توافق جامعه است تا پیش از رسیدن به تاریخ قرارداد جدیدی انجام شود.

این اظهارات ظریف البته از چند نظر تامل‌برانگیز است:

نخست اینکه مطابق بند ۲۱ آن قرارداد که در ۱۲ مارس ۲۰۰۱ میان سیدمحمد خاتمی و ولادیمیر پوتین منعقد شده است، به صورت خودکار برای پنج سال دیگر تمدید می‌شود؛ مگر آنکه هریک از طرفین یک سال پیش از انقضای آن به صورت کتبی انصراف خود را اعلام کند. موضوع امضا شده که از یک سو در زمان دولت اصلاحات ایران و اروپا، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، چین و دیگر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در نقطه طلایی و شکوفایی خویش با سیاست خارجی بودند و از سوی دیگر ولادیمیر پوتین تنها یک سال از ریاست‌جمهوری‌اش بر کنشور روسیه می‌گذشت که سال‌های سخت بحران را سپری کرده بود؛ بدیهی است که ایران در آن موقعیت، به‌مراتب قدرت چانه‌زنی بسیار بالایی داشت که ماحصل آن عقد چنین قرارداد محصربه‌فردی شده است که بدون آنکه امتیازی بدهد، ضمانت‌های چشمگیری در حوزه‌های امنیتی و سیاسی کسب کرده و در گسترش روابط فرهنگی و اقتصادی گام برداشته که نتیجه آن شکوفایی تراز تجاری در روابط تهران – مسکو شده است که دیگر پس از آن تکرار نشده و به طور مشخص در دولت روحانی با افول مواجه شد. اکنون باید به انتظار نشست آنکه اوزارت خارجه طرف موفق می‌شود کدر سال باقی‌مانده، خرگوش(های) مدنظر خود را در دیپلماسی صید کند؟

چشم‌انداز روابط ایران و روسیه در گفت‌وگو با محمود شوری:

با روسیه راحت‌تر می‌شود تحریم‌ها را دورزد

روح‌الله نخعی: در صحنه سیاست خارجی ایران، بحث تقابل با آمریکا، اختلاف با غرب و نگاه به شرق بحث تازه‌ای نیست؛ اما در سال‌ها و ماه‌های اخیر با افزایش کمسابقه تنش‌ها بین تهران و واشنگتن- سردرگمی و زمان‌رخدن اروپایی‌ها و درمقابل حمایت‌های دیپلماتیک دو قدرت شرقی در بحث توافق هسته‌ای و نیز تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، این مسئله برجسته‌تر شده است. در روزهای اخیر، مطرح‌شدن مسئله تنظیم توافق‌نامه‌های گسترده و چندین‌ساله با این دو کشور نشان داده است که ایران با دست‌کم دسته‌بندی دیپلماسی فعلی ایران تحکیم جدی‌تر روابط با این دو قدرت شرقی و سرمایه‌گذاری جدی‌تر و بلندمدت‌تر در راهبرد نگاه به شرق را در دستورکار قرار داده است. این مسئله که خود ابعاد گسترده‌ای دارد، مشخصا بحث جنس رابطه ایران با همسایه بزرگ شمالی خود را بار دیگر به اذهان عمومی و صفحات رسانه‌ها کشیده است. به همین مناسبت، گفت‌وگویی با محمود شوری، کارشناس مسائل روسیه، فقفاز و آسیای میانه درباره چشم‌انداز تازه‌ای که روابط ایران و روسیه داشتیم. در این گفت‌وگو، شوری شرح می‌دهد که تعامل ایران با روسیه چه دلایل و پیامدهایی دارد، چشم‌انداز خرید تسلیحات ایران از روسیه بعد از لغو تحریم را بررسی و اشاره می‌کند که درفرض فقدان فشارواشنگتن. گرچه بخشی از اجلاس‌های مشترک تهران و روسیه کم می‌شوند؛ اما از جنبه‌هایی دیگر، گسترش روابط دوجانبه افزایش نیز خواهد یافت. او همچنین درباره بحث اخیر مربوط به لغو تحریم‌ها و نیز تحریم‌های ایران با روسیه و چین به نکته جالبی اشاره می‌کند که چنین اتفاقی کار با روسیه را برای ایران راحت‌تر می‌کند.

■ برای شروع، بیایید نگاهی داشته باشیم به ارزیابی کلی شما از شکل فعلی رابطه ایران و روسیه.

روابط ایران و روسیه یکی از خاص‌ترین و پیچیده‌ترین موضوعات روابط خارجی ایران در سه دهه گذشته بوده است. روسیه یک قدرت بزرگ جهانی است که ایران‌ها و امکانات متعددی را در سطح بین‌المللی و همین‌طور منافع گسترده و متنوعی نیز دارد. نوع نگاری و نوع تعامل ایران با روسیه در سال‌های گذشته تابع تغییرکننده‌ای در نوع روابط بین‌المللی ما داشته است. طبیعتا نوع تعاملی که داشتیم، هم روی روابط ما با غرب تاثیرگذار بوده و هم مجموعه‌ای از مسائل داخلی را به همراه داشته است. به عنوان مثال، در برجام، بحث‌های اقتصادی و تجاری‌ای که در آن اتفاق افتاد، اینها موضوعاتی بودند که روابط ما با روسیه را در روند برجام بسنگی به نوع واکنش ایران دارد. اگر ایران از برجام یا از اینپی‌ای خارج شود، روس‌ها حتما در آن صورت حاضرند کدشته را از ایران نخواهند داشت. اینها نکاتی است که در تحلیل موضوع روسیه نسبت به اقدامات آمریکا علیه ایران باید در نظر گرفت.

■ نقطه پایان احتمالی این حمایت چه ممکن است باشد؟ یعنی در چه مرحله‌ای و با چه اتفاقی علیه یا از سوی ایران ممکن است مسکو از نشست تهران کنار برود؟ اگرمثلا اسرائیل و آمریکا دست به اقدام دیگری علیه ایران بزنند، ممکن است روسیه واحدات کند یا مخالفانشان همچنان درحد دیپلماتیک خواهد بود؟

بعید به نظر می‌رسد روس‌ها بخواهند در حمایت از ایران وارد اقدام‌هایی به آن شکل شوند و در صورتی که ایران به‌طور جدی‌تری با یک چالش نظامی از طرف آمریکا مواجه شود، حاضر به حمایت نظامی از ایران شوند. تحلیل ما مخالفت‌های روسیه با این موضوع مخالفت‌های دیپلماتیک خواهد بود. البته بعضی از اتفاقات به شکل پنهان ممکن است بیفتد که متوجهش نشویم یا بعدا معلوم شوند. از جمله پیام‌هایی که ممکن است بین روسیه و آمریکا تبادل شود. اینها ابزارهایی هستند که قدرت بزرگی مثل روسیه در اختیار دارد و حتی می‌تواند فشارهای خودش را به آمریکا وارد کند اما اینکه اتفاق داشته باشیم روسیه درب دیگری نظامی بین ایران و آمریکا کاملا طرف ایران باشد، خب قابل تصور نیست. همان‌طور که گفتم مسائل روس‌ها با آمریکا پیچیده‌تر و گسترده‌تر از این است که بخواهند همه چیز را در سبد تعامل خودشان با ایران بگذارند. اما احتمال اینکه آمریکایی‌ها هم بخواهند دست به چنین اقدامی بزنند، بسیار اندک است. ولی به‌هرحال در صورت بروز درگیری نظامی به نظر نمی‌رسد روس‌ها به لحاظ عملیاتی کمک قابل‌توجهی بکنند؛ مگر اینکه حمایت تسلیحاتی از ایران به عمل بیاورند. برای روسیه خیلی مهم است که ایران به توانمندی نظامی هسته‌ای دست پیدا کند. روسیه به هیچ‌وجه موافق افزایش کشورهای دارای توانایی تسلیحاتی هسته‌ای نیست و این خط قرمز آنهاست. به همین دلیل وقتی رحل خط پرچم تاکید دارند. چون آن را مانعی برای این می‌دانند که ایران تمایلات و اهدافش درجهت برخورداری از چیزی که الان هست، گسترش بیشتری پیدا کند. برجام را موضوعی می‌دانند که مانع از گسترش کشورهای هسته‌ای در سطح جهانی خواهد شد. ورود ایران به مرحله‌ای که به لحاظ توانمندی هسته‌ای غیرقابل‌کنترل باشد، موضوعی است که روس‌ها با آن مخالفت جدی دارند.

■ چشم‌انداز اختلافات درمسئله سوریه را که ایران و روسیه بازیگران آن هستند، چگونه می‌بینید؟ آیا ممکن است عمق‌توافق بر سر سوریه به چالشی بزرگ‌ترین این دو کشور تبدیل شود و به حوزه‌های دیگر همکاری رسوخ کند؟

چیزی که ما الان در سوریه با آن مواجه هستیم بحث اختلاف‌نظرها و اختلاف منافع ایران و روسیه است؛ اما این اختلاف‌نظر به معنای رودررو قرارگرفتن یا تبدیل اختلاف‌نظر به یک اختلاف عملی نیست و ایران و روسیه با آن اتفاق و منافع خودشان را در سوریه مدیریت و سعی کرده‌اند این اهداف و منافع به‌گونه‌ای پیکری شود که به پیامدهای منفی جدی برای طرف‌ها منجر نشود. البته بحث اختلاف‌نظرها و مسائل سوریه مسائل متنوعی است که ایران و روسیه در آن به‌نوعی فرشته برزگ شده‌اند. چه این ایران و روسیه چه بین روسیه و ترکیه یا هر طرف دیگری.

مهمترین مسئله‌ای که در آینده با آن مواجهیم این است که کنترل صحنه سیاسی سوریه به چه شکلی قرار است انجام شود. در چارچوب روند آستانه، ایران، روسیه و ترکیه توافقاتی رسیدند. ولی این بحث هم هست که تمام این توافقات مبتنی بر این است که کدام کشور چه ابزارهایی در اختیار دارد. اینکه در این مذاکرات سه‌جانبه تا چه اندازه طرف ایرانی بتواند به اهداف خودش برسد. بسیاری دارد به این دارد که در صحنه عملیاتی چقدر ایران این مذاکرات را پیش خواهد برد. همین‌طور ترکیه و روسیه. در واقع، اگر بشود گفت، ما نوعی رقابت را بین کشور ایران، اینکه هرکدام تلاش می‌کنند ابزارهای نفوذ و قدرتشان را در صحنه عملیاتی افزایش دهند و خلق کنند تا بتوانند در مذاکرات سیاسی به دست برتری وارد شوند. این اتفاق عمدا در حال رخ‌دادن است و این باعث بعضی رقابت‌ها هم بین سه کشور می‌شود که ناهدف هستیم.

همین‌طور در بحث‌های مربوط به آینده سوریه یکی از بحث‌های مهم بازسازی اقتصادی است که در این زمینه هم تفاوت‌هایی بین ایران و روسیه وجود دارد. شاید حضور ایران در عرصه سازندگی سوریه از دیدگاه روس‌ها مشابه عملی شود برای اینکه خیلی از کشورهای دیگر حاضر نباشند به بازسازی وارد شوند. روسیه که می‌خواهد موافق افزایش کشورهای دارای توانایی تسلیحاتی هسته‌ای نیست و این خط قرمز آنهاست. به همین دلیل وقتی رحل خط پرچم تاکید دارند. چون آن را مانعی برای این می‌دانند که ایران تمایلات و اهدافش درجهت برخورداری از چیزی که الان هست، گسترش بیشتری پیدا کند. برجام را موضوعی می‌دانند که مانع از گسترش کشورهای هسته‌ای در سطح جهانی خواهد شد. ورود ایران به مرحله‌ای که به لحاظ توانمندی هسته‌ای غیرقابل‌کنترل باشد، موضوعی است که روس‌ها با آن مخالفت جدی دارند.

■ چشم‌انداز تحریم‌های کوچک و بزرگ جهانی نسبت به ایران با چین تعاملی بتواند روابط تازه‌ای با آنها ایجاد و در نزدیکی‌های احتمالی از آن سود ببرد؟ با این اتحمر تعامل جدی با این دو قدرت شرقی فعلا تهاگزینه پیش‌روی ایران است؟

هیچ کشور دیگری نیست که اولا توانمندی تسلیحاتی مثل روسیه داشته باشد که ما بتوانیم تسلیحاتی از آن تامین کنیم. حتی چینی‌ها خریدار تسلیحات روسی هستند. گزینه‌های زیادی بیش‌روی ایران نیست که انتخاب کند از چه کشوری خرید تسلیحاتی داشته باشد. هیچ کشور دیگری هم حاضر نیست تهدیدات و پیامدهای تحریم آمریکا را تحمل کند و بیندیرد. روس‌ها هم این کار را نخواهند کرد که این تحریم‌ها را تحمل کند؛ ولی با روسیه راحت‌تر می‌شود کار کرد و راه‌هایی را برای دورزدن این تحریم‌ها و مشکلات پیدا کرد. بعید می‌دانم کشور دیگری حاضر باشد مثل روسیه برای بیدارکردن راه‌های دورزدن تحریم‌ها و موانع همکاری کند؛ بنابراین اگر ما به دنبال نوع خاصی از تسلیحات متعارف نظامی هستیم، خیلی حق انتخاب نداریم. البته این را نباید الزاما امر منفی در نظر گرفت.

بیش‌روی همکاری هسته‌ای و نظامی ایران و روسیه، روسیه در این سال‌ها تنها کشوری بوده که به ما کمک کرده وارد عرصه فناوری هسته‌ای شویم و همین‌طور برخی خارج‌ها و امکانات نظامی و تسلیحاتی بیشرفته را در اختیار ما قرار داده است. بله، چند سال هم طول کشید، ولی به هر حال ما ۳۰۰ تا موشک S۳۰۰ داریم. نیروگاه هسته‌ای بوشهر را داریم. همین‌طور برخی ظرفیت‌ها و امکانات استراتژیک دیگر را توانستیم با کمک روسیه به آنها برسیم. این را باید در نظر بگیریم که روسیه هم مجبور است با توجه به نوع تعاملات خودش با کشورهای دیگر ازجمله آمریکا، اسرائیل و کشورهای عربی منطقه عمل و باید با همه طرف‌ها تعامل کند. روسیه کشوری نیست - و دلیلی هم ندارد باشد- که بخواهد برای ایران فداکاری کند. روسیه منافع خودش را دنبال می‌کند و ما هم روی هما این منافع سعی می‌کنیم فرصت‌هایی برای خودمان ایجاد کنیم. به نظر من، ما کموبیش از این فرصت‌ها استفاده کرده‌ایم. به هر حال ما با کمک روسیه توانستیم در سوریه بازیگری خودمان را تداوم بخشیم؛ همان‌طور که روس‌ها با کمک ما توانستند چین کنند. این تحامل دوطرفه و به سود هم دو طرف بوده است. اتفاقاتی که در این زمینه افتاده، چه در بحث هسته‌ای، چه در بحث همکاری‌های نظامی و چه در موضوع سوریه و مسائل منطقه‌ای، هر نوع همکاری بین ایران و روسیه، همکاری‌های بوده که منفعت دوجانبه برای هر دو طرف داشته است. هم روس‌ها بهره خودشان را برده‌اند هم ایران. روسیه از طریق نوع همکاری‌ای که با ایران در بحث نیروگاه بوشهر داشت، برای سال‌های متمادی درخون راه‌بنهول یک بازیگر تاثیرگذار به غربی‌ها تحمیل کرد. ما هم از این طریق توانستیم به نیروگاه هسته‌ای برسیم. در بخش تسلیحات نظامی نیز روسیه حتما دنبال این است که خودش را به‌عنوان فروشنده بزرگ تسلیحات در جهان نشان دهد؛ باید با همه کسانی که خریدارند و تسلیحات روسی را می‌خواهند، بتواند تعامل کند. برای روسیه یک مشتری مهم یک مشتری بزرگ بین المللی ایران را نادیده نمی‌گیرد. به همین دلیل اگر منفعت دوجانبه است، می‌توانیم از این طریق سامانه دفاع هوایی خود را تقویت کنیم و روس‌ها هم فروش تسلیحات بین‌المللی‌شان را افزایش می‌دهند. تمام اینها منافع دوجانبه و دو طرفه استفاده است. اینکه نگران این بدقولی‌ها باشیم، بخش بزرگی از آن برمی‌گردد به شرایط خاص ما. هرکس جای روسیه بود، اینگونه با این بازی و سیاست‌ها بی‌نوعسی تعامل کند که هم منافعش تامین شود و هم تهدیدی متوجه خودش نشود.

■ از برخی اظهارنظرها برمی‌آید که تمام سرمایه‌گذاری ایران برای فردای لغو تحریم‌ها، معامله تسلیحاتی با روسیه و چین است که به‌هرحال هم‌اکنون هم از دوستان ایران محسوب می‌شوند و این معامله‌ها حداکثر به تحکیم روابط منجر می‌شود. آیا از نگاه شما کشور دیگری از میان قدرت‌های کوچک و بزرگ جهانی نیست که ایران با چین تعاملی بتواند روابط تازه‌ای با آنها ایجاد و در نزدیکی‌های احتمالی از آن سود ببرد؟ یا این اتحمر تعامل جدی با این دو قدرت شرقی فعلا تهاگزینه پیش‌روی ایران است؟

هیچ کشور دیگری نیست که اولا توانمندی تسلیحاتی مثل روسیه داشته باشد که ما بتوانیم تسلیحاتی از آن تامین کنیم. حتی چینی‌ها خریدار تسلیحات روسی هستند. گزینه‌های زیادی بیش‌روی ایران نیست که انتخاب کند از چه کشوری خرید تسلیحاتی داشته باشد. هیچ کشور دیگری هم حاضر نیست تهدیدات و پیامدهای تحریم آمریکا را تحمل کند و بیندیرد. روس‌ها هم این کار را نخواهند کرد که این تحریم‌ها را تحمل کند؛ ولی با روسیه راحت‌تر می‌شود کار کرد و راه‌هایی را برای دورزدن این تحریم‌ها و مشکلات پیدا کرد. بعید می‌دانم کشور دیگری حاضر باشد مثل روسیه برای بیدارکردن راه‌های دورزدن تحریم‌ها و موانع همکاری کند؛ بنابراین اگر ما به دنبال نوع خاصی از تسلیحات متعارف نظامی هستیم، خیلی حق انتخاب نداریم. البته این را نباید الزاما امر منفی در نظر گرفت.

■ با توجه به سابقه برخی بدقولی‌ها در معاملات بین‌المللی روس‌ها، مثل بحث سیستم دفاع موشکی و نیروگاه هسته‌ای، روسیه می‌تواند فروشنده قابل اعتمادی برای تسلیحات ایران باشد؟

البته این موضوع هم مطرح است. ولی واقعیت این است که این وضعیت را بیشتر ما خودمان برای خودمان ایجاد کرده‌ایم. وقتی روسیه تنها تامین‌کننده فناوری یا یک نوع تسلیحات خاص برای ما باشد، طبیعتا با توجه به نوع تعاملاتی که بین روسیه و طرف‌های دیگر وجود دارد و بین روسیه و کشورهای منطقه این موضوع پیش می‌آید و اصلا با فرض همه اینها، ما این توافق‌ها را امضا می‌کنیم. به هر حال این را هم باید در نظر گرفت که بالاخره با وجود همه بدقولی‌ها، چالش‌ها و مانع‌ها بالاخره قاعده روابط بین‌الملل تا بوده، همین بوده که کشورها از طریق پیوندخوردن امنیتی یا قدرت‌های دیگر امنیت‌شان را تامین کنند. هرکشوری می‌داند با شرایط و اهداف سیاست خارجی نوع تعاملات بین‌المللی خود را تنظیم و از طریق همکاری با کشور دیگر ابزارهای تامین امنیتش را گسترش می‌دهد. این خیلی امر نامربوط و ناآشنایی در روابط بین‌الملل نیست و درباره خیلی کشورها اتفاق افتاده است. البته واسنگی امنیتی نباید داشته باشیم؛ اما همکاری امنیتی کاملا مرسوم و اجتناب‌ناپذیر است.

از آن طرف هیچ کشوری هم به اندازه ایران تاکنون تحت تاثیر فشارها و تحریم‌های قدرت بزرگ دیگری مثل آمریکا نبوده است. نوع فشارها و دشمنی‌ها با ایران تا الان خیلی وسیع بوده است و از هر ابزار و امکانی استفاده شده. ما هم در سطح بین‌المللی ابزارهای اثرگذاری‌مان محدود بوده است؛ بنابراین دلایل برخی فرارونشیب‌ها در روابط با روسیه را باید در نوع تعامل با قدرت‌های دیگر دید. اگر بعضا روس‌ها با ما بازی می‌کنند یا اگر در موارد بدقولی صحبتی می‌کنند، برمی‌گردد به مسیری که انتخاب کردیم. شاید اگر شرایط دیگری بود، اتفاق دیگری می‌افتاد.

■ یعنی اگر به فرض زمانی مسئله ایران و آمریکا به شکلی حل شود، شکل این رابطه هم تغییر خواهد کرد؟

به‌هرحال نمی‌توان انکار کرد که بخش عمده‌ای از تعاملات ما با روسیه به دلیل ملاحظاتی بوده که هم ما و هم روس‌ها در سیاست‌های خارجی خودمان داشتیم. یک دلیل همکاری ایران با روسیه و مقابله با نوع سیاست‌های آمریکا در منطقه و در عرصه بین‌المللی بوده است. اگر آن شرایط از بین برود، طبیعتا نوع تعریفی که از دوستی‌ها و دشمنی‌ها در سطح بین‌المللی هست، متفاوت می‌شود و نوع اتفاق‌ها و بازیگری‌ها متفاوت خواهد شد. اما در ارتباط با آمریکا حتی اگر نوع روابط ما با آمریکا تغییر کند، بخش عمده‌ای از دلایل همکاری ما با روسیه باقی خواهد ماند. ما بخشی از همکاری‌های اقتصادی را با روسیه داریم که به دلیل همجواری ما با روسیه است و در هر شرایطی باید حفظ شیم و هر دولتی در هر شرایط بین‌المللی بعید است بخواهد خود را از منافع تجارت با اتحاد اقتصادی اوراسیا محروم کند. در موضوعاتی مثل بحث کنوپرد شمال- تجوب بعید است تحت هر شرایطی هم که باشد، ما خود را محروم کنیم و دلیلی هم وجود ندارد که خودمان را از اینکه مسیر ترانزیتی بین روسیه و هند داشته باشیم، محروم کنیم. اگر ما منافع آمریکا وجود نداشت، تعاملات ما جدی‌تر راه دورزدن این تحریم‌ها بودند که غیرممکن هم نیست. اما بحث دیگر، بحث توانمندی مالی ایران در خرید تسلیحات در این شرایط است. حتما اگر فرار باشد برای خرید اقدام کنیم، باید در طرف ایرانی چاره‌اندیشی شود و مکانیسم پرداخت مشخص شود. با توجه به همه موانعی که بر سر راه تعامل تسلیحاتی وجود دارد، به نظرم نباید خیلی زود این موضوع را امری انجام‌شده تلقی کرد. ولی حتما گفت‌وگوها و توافق‌ها در این زمینه به‌طور جدی دنبال خواهد شد. با اولین گشایش و در اولین فرصت، این تعاملات تسلیحاتی صورت خواهد گرفت.

■ چشم‌انداز روابط ایران و روسیه در عرصه بین‌المللی

نگاهی به وضعیت روسیه در عرصه بین‌المللی

تهران- مسکو رقابت‌های پسا جنگ سرد

حمید کریم‌نیا
دیپلمات بازنشسته

روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی و عضو شورای امنیت، جایگاه خاصی برای روابط دوجانبه با ایران به وجود آورده است. از این رو، ایران به‌عنوان کشوری که موقعیت منطقه‌ای خاصی دارد، می‌تواند از ویژگی خاصی هم برخوردار باشد. از آن سو، رویکرد ایران به روابط با روسیه می‌تواند توجه را به رویکرد متقابلا یکسان نشان؛ به عبارتی روسیه ایران را صرفا به‌عنوان یک کشور همسایه تلقی نمی‌کند، بلکه ویژگی‌های این روابط اهمیت دارد. البته همه این ویژگی‌ها در شرایط کنونی ایجاد نشده‌اند، بلکه از گذشته‌های دور موجب جذبه و نظر قرار گرفته‌اند. این نکته نیز شایان ذکر است که استراتژی روسیه در روابط دوجانبه، مستقل از رویکرد جهانی آن نیست؛ به عبارتی علاوه بر روابط دوجانبه، محاسبات بین‌المللی آن نیز در این روابط تاثیرگذار است. از این نظر، رویکرد و انتظار روسیه ازسمت ممکن است با آنچه ایران در این رابطه می‌بیند، همسو و یکسان نباشد. روسیه به‌عنوان یک قدرت تعیین‌کننده در جهان، روابط و رویکردی در حد رقابت با ایالات متحده و سایرین برای حفظ و تعریف قدرت است. از این رو، این کشور روابط دوجانبه را می‌تواند در این چارچوب تعریف کند. به همین دلیل، رفتار و رویکرد این کشور روبه‌ظهور، به‌عنوان یک کشنگر در عرصه بین‌المللی، مهم تلقی می‌شود.

تاثیر رویکرد جاری روسیه در امنیت بین‌المللی

در دهه اخیر، تشغ غرب و روسیه روندی رو به رشد داشته؛ درحالی‌که در گذشته، تلقی آمریکا مبتنی بر جهان تک‌قطبی بود. اما امروزه تضادها به نحوی است که نشان از چالش و رقابتی تازه در عرصه بین‌المللی دارد. شواهد نشان می‌دهد در حوزه امنیتی، رویکرد یک کشنگر برای سیاست کلی آمریکا را در حوزه امنیت به چالش می‌کشد؛ زیرا رویکرد امنیتی، اولویت نخست سیاست خارجی روسیه است؛ برخلاف چین که جنگ تجاری را بر رقابت‌های تسلیحاتی و نظامی در اقصا نقاط جهان ترجیح می‌دهد، روسیه با وضعیت اقتصادی خود، هیچ‌گاه نمی‌تواند در عرصه بین‌المللی همانند چین با آمریکا رقابت داشته باشد. به‌تازگی «بنیاد رند» در گزارشی به تشریح نقاط «آ» یا واقعا برای جنگ با روسیه و چین آماده می‌کند؟»، آورده است: اقدامات چین و روسیه در حوزه‌های مختلف، نشان از به‌چالش‌کشیدن برنامه بین‌المللی و موقعیت ایالات متحده در جهان است.

در هر صورت، با ساختار به‌جامانده نظامی و بازسازی آن، امروزه روسیه سعی دارد ظهور تعیین‌کننده خود را در برابر آمریکا نشان دهد. عدای معتقدند امروزه این رقابت‌ها بر سر تقسیم منافع و گسترش حوزه نفوذ است؛ به جنگ سرد. در چنین شرایطی، دو کشور در مناطقی بسا یکدیگر همکاری و در حوزه‌هایی به رقابت جدی و تقابل می‌پردازند؛ زیرا روسیه در مناطقی از جهان، مقابله با غرب و مخصوصا آمریکا را از قدرت است. موج تازه تولید و تجارت اسلحه از سوی روسیه، نشان از این اراده تازه دارد.

تلاش برای احیای قدرت جهانی

به‌طورکلی برای قدرت جهانی شدن، هرکشوری مستلزم داشتن اقتدار در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و فرهنگی است که اغلب کشورها تلاش دارند به شکلی مجتمع و نفوذ خود را در این حوزه‌ها به دست آورده و حفظ کنند. در حوزه نظامی، با توجه به هزینه‌برودن آن و با توجه به اقتصاد کنونی روسیه، این امکان فراهم نشده؛ به‌طوری‌که بودجه نظامی این کشور قابل مقایسه با آمریکا است. بودجه ۷۶۰میلیاردی آمریکا در برابر بودجه ۷۵میلیاردی روسیه نشان از این اختلاف است. در نتیجه، مبنا و هدف اصلی سیاست خارجی این کشور، احیای موقعیت جهانی خود و دارد که در عرصه نیز ژئوپلیتیک، آمریکا «مات» شود. برحسب تحلیلات، این اتفاق در مورد حوادث سوریه روی داده و آمریکا امروزه یک سیاست سراسر جهان آنها را دنبال می‌کند. همین عوامل موجب می‌شود آمریکا و متحدان آن در برابر آن از نظر تاکتیکی چندان توفیقی در ایجاد نشانه به مفهوم عام خود نداشته و در مناطقی از جهان به تحوی دست پایین‌تر را از روسیه داشته باشند.

یکی از این چالش‌ها، رقابت در صنعت و توان تولید سلاح‌های نظامی و افزایش تجهیز نسبت به اروپاست. این نگرانی اروپا بیشتر از این بابت ظاهر شده که از نظر واردات انرژی، تا حدود زیادی به روسیه وابسته است. در چنین موقعیتی، تلاش روسیه از این است که اروپا را در مقابل آمریکا تحت فشار قرار دهد. روسیه از رفتار اقتراقی میان بلوک اروپایی و آمریکا آگاه است و سعی در تشدید آنها دارد. اشغال کریمه و واکنش سرد اروپا یکی از این نشانه‌هاست. چندی‌قبل پوتین در مصاحبه خود در اجلاس «مجمع ایجاد تفکر» در روسیه گفت سیاست‌های جدید روسیه در غرب به دلیل تحریم‌های صورت‌گرفته روسیه برخورد حذفی و قطع‌وقمع آنان بوده است و هنگامی که رویدادهای تروریستی در چچن و مناطقی در داغستان اتفاق افتاد، روسیه پوتین با شدیدترین ضربات ممکن به آنان حمله‌ور شد. وی اعلام کرد از این به بعد هیچ‌گونه مسامحه در برابر تروریست‌های چچنی نخواهد داشت. با کشتن برخی داعش در عراق و نیروهای سوریه گروه‌های چچنی به این مناطق کسل شدند و می‌توان یکی از دلیل حضور روسیه را سرکوب تروریست‌های چچنی در خاک سوریه دانست. از این کدشته دلیل دیگر روس‌ها برای حضور در سوریه این بوده که این کشور به‌عنوان پایگاه سستی خود در زمان جنگ سرد بوده از این‌روی اهمیت خود را از دست داده است. آمریکایی‌ها در جریان جنگ‌های سوریه و عراق علیه تروریسم نیویی بازی سیاسی را آغاز کرده بودند و هم‌اکنون که اشاره شد، تا حتی که تروریسم علیه منافع آنان بود این برخوردها علیه داعشیان درحالی‌که در مواردی دیگر از سایر گروه‌های دیگری با به مصالح خود حتی حمایت نیز می‌کردند. البته ایران نیز به دلیل همعرز بودن با عراق ناچار بود که در آنجا و سیس در سوریه حضور داشته باشد که در آنجا همکاری با روسیه در این بخش تقویت و هماهنگ شد. به دنبال آن رودررویی روسیه با آمریکا بعد از اشغال کریمه در بالکان وضعیت بحران‌تری به خود گرفت و احساس شد که غربی‌ها از پدیده تروریسم به‌عنوان حربه‌ای برای توسعه نفوذ خود در خاورمیانه و در برابر روسیه و ایران استفاده می‌کنند.

روسیه در جنگ‌های سوریه علاوه بر اهداف فوق چند هدف دیگر را دنبال می‌کرد: ۱- برهم‌زدن پاشنه‌آشیل